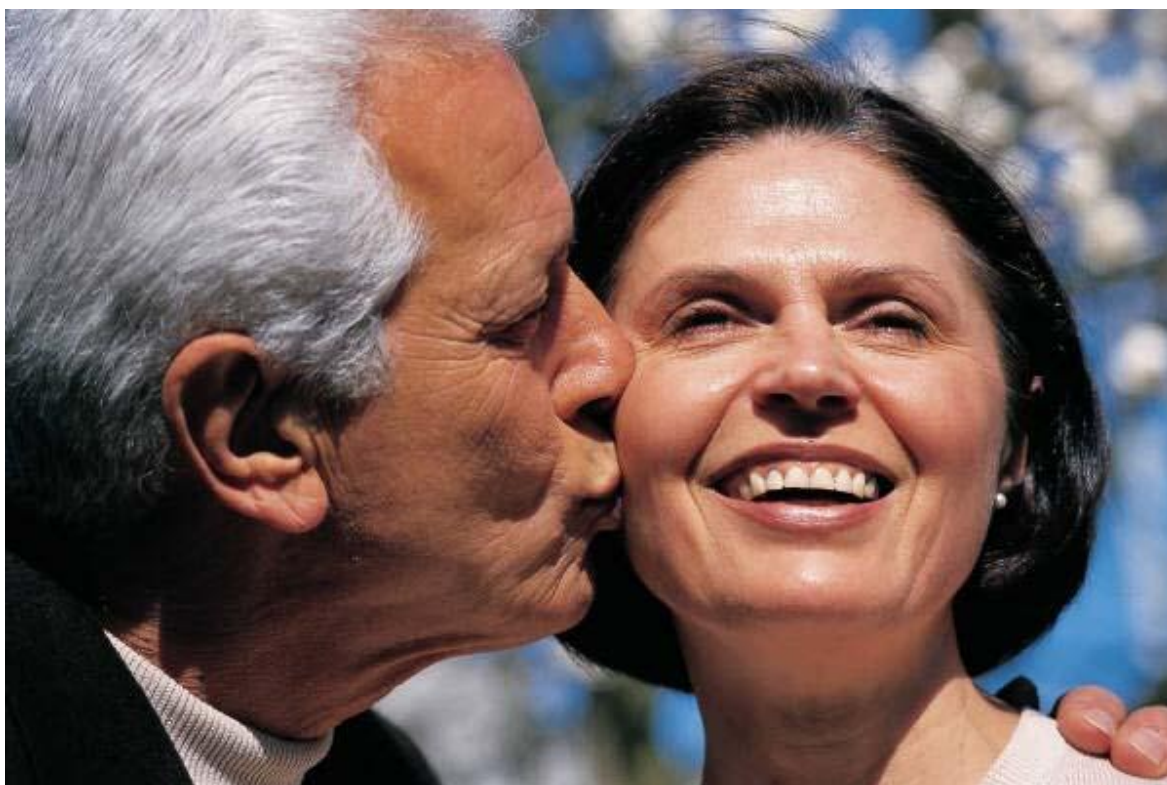


# خانواده مسیحی



## Christian Family

نویسنده: دکتر سیما شماسبی

خانواده مسیحی

# Christian Family

نویسنده: دکتر سیما شماسبی

By: Dr. Sima Shamasbi

انتشارات خدمات جهانی فارسی زبان

Persian World Outreach, Inc. Publication

To Order a hardcopy of this book contact Publisher at: [pwo@worldmail.org](mailto:pwo@worldmail.org)

حق چاپ محفوظ است چاپ دوم سال ۲۰۰۶

All rights reserved second edition year 2006

## فهرست مطالب:

۴	❖ درباره نویسنده
۶	❖ مقدمه
۹	۱. پیدایش خانواده
۱۳	۲. گناه و ثمره آن
۲۹	۳. نقشه خدا و خانواده
۳۹	۴. مقام و مسئولیت مرد در خانواده
۴۵	۵. مرد نمونه
۴۶	۶. مقام و مسئولیت زن در خانواده
۵۵	۷. زن نمونه
۶۵	۸. ده فرمان ازدواج
۶۸	۹. مقام و مسئولیت فرزندان در خانواده
۸۰	۱۰. نتیجه و دعای برکت

## درباره نویسنده

در خانواده ای مسلمان بدنیا آمدم. وقتی به سن نوجوانی رسیدم، با التماس از مادر بزرگه‌ایم می‌خواستم که به من عبادت کردن خدا را یاد بدهند. قبل از اینکه حجاب اجباری شود، من با اراده خودم حجاب اسلامی را انتخاب کردم و تمام سعی من در این بود که اگر مسلمانم، پس باید همه دستورات دینی ام را انجام بدهم تا خدا را خشنود کنم. نماز می‌خواندم، روزه می‌گرفتم، قرآن و تفاسیر می‌خواندم و در کلاسهای این تفسیرها و کتب اسلامی شرکت می‌کردم. اما روز بروز دردهای روحی و جسمانی بیشتری پیدا می‌کردم. افسردگی داشتم، مشکلات خانوادگی، مریضی‌های جسمی و حتی غده‌ای روی پای راستم رشد کرد، که کم‌کم دچار بی‌حسی در پای راستم شد. قلبم روز بروز فشرده‌تر می‌شد و دردهای شدیدی می‌گرفت که گاهی فکر می‌کردم هماندم سکت قلبی می‌کنم. گاهی انجیل بدستم می‌رسید. وقتی آنرا می‌خواندم که مسیح شفا می‌دهد و مرده زنده می‌کند با ناباوری آنرا پاره می‌کردم. دوران انقلاب اسلامی بود و من هر روز غسل شهادت می‌کردم و بیرون می‌رفتم تا اگر کشته شدم برای خدا کشته شوم. در عین همه مشکلات، با معجزات فراوان سفری به خارج از کشور کردم. در آنجا بود که شنیدم عیسی مسیح زنده است و هر کس که به او ایمان بیاورد نجات و حیات ابدی می‌یابد. دعا کردم و از خدا خواستم حقیقت را به من نشان بدهد. به او گفتم که تا بحال به من گفته شده است اگر بگویی عیسی پسر خدا است کفر گفته‌ای و به جهنم می‌روی، اما حال می‌شنوم که تنها راه بسوی

تو و بهشت ابدی ایمان به عیسی مسیح بعنوان پسر است، و اینکه او زنده است. کدام از جانب توست؟ روزی به کلیسا رفتم و در آنجا دعا می کردم که ناگهان تمام وجودم پر از گرمی و شادی شد. قلبم باز شد و پر از محبت به کسانی که به من ظلم کرده بودند. از شادی مرتب بالا و پایین میپریدم. وقتی به خانه رفتم دیدم تمام مریضی هایم و حتی غده روی پام رفته بودند. خدا به من حقیقت را نشان داد. آنوقت دیگر خواندن انجیل برایم معنی داشت. حضور خدا را در این کتاب می دیدم. قدرت و قدوسیت خدا در کلام او برایم معنی گرفت درست مثل کوری که بینا شود. جلال بر نامش.

## مقدمه:

عزیزان، زمانی که ما در آن زندگی میکنیم زمانی است بی ثبات، سریع و پر از وقایع غیر منتظره.<sup>۱</sup> زمانی سخت با مردمانی خودپرست، طماع، لاف زن، متکبر، بدگو، نامطیع والدین، ناسپاس و ناپاک، بی الفت، کینه دل، غیبت گو و ناپرهیز، بی مروت و متنفر از نیکویی، خیانت کار، تند مزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا دوست میدارند. که صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می کنند.<sup>۲</sup> زمانی است که بجهت افزونی گناه، محبت بسیاری سرد شده و بطرق مختلف همدیگر را تسلیم می کنند.<sup>۳</sup> زمانی است پر از طوفانها، زلزله ها، قحطیها، وباها، و علامات آسمانی. زمانی که قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت میکند.<sup>۴</sup> زمانی است که اگر سکان کشتی زندگی ما محکم نباشد، دیر یا زود این کشتی غرق یا شکسته می شود.

روی سخنم به کسانی است که هنوز شعله ای از محبت قلبشان را گرم نگهداشته و حقیقت را تشخیص می دهند. کسانی که آماده اند تا کشتی خود را به سکان قوی مجهز کنند و امید به ساحل امن و پایدار دارند. جایی که در آن

---

<sup>۱</sup>(کتاب دانیال باب ۱۲ آیه ۴)

<sup>۲</sup>(کتاب دوم تیموتاوس باب ۳ آیات ۱-۵)

<sup>۳</sup>(انجیل متی باب ۲۴ آیات ۶-۱۳، باب ۱۰ آیه ۲۱، انجیل مرقس باب ۱۳ آیات ۷-۱۳)

<sup>۴</sup>(انجیل لوقا باب ۲۱ آیات ۱۰-۱۲)

سرور و آسایش دائمی و حقیقی است.<sup>۵</sup> روی سخنم به کسانی است که خانه بر بنیاد سنگی بنا می کنند تا آماده برای سیل و طوفان باشند<sup>۶</sup> و امید به خانه و خانواده دارند. جایی که همه چیز از آنجا شروع می شود، شکل میگیرد و سرنوشت ساز می شود. جایی که آرامش و شادی را در آنجا می توان یافت.

در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید و آنچه از جامد و غیر جامد، جاندار و بی جان از انواع مختلف خلق کرد، همه را در اختیار و زیر حکم آدم گذاشت. او از همان ابتداء، اولین واحد اجتماع یعنی خانواده را با خلقت حوا و پیوند بین آدم و حوا مقرر فرمود.<sup>۷</sup> خدا یعنی منشا و مبدا حیات، خانواده ای روحانی تاسیس کرد زیرا او انسان را بصورت خود یعنی موجودی روحانی آفرید.<sup>۸</sup> خلقت خدا بر اساس قوانینی صورت گرفت که همچنان استوار و پایدارند. این قوانین در کلام خدا (کتاب مقدس) از ابتدا تا به انتها بطرق مختلف بیان شده اند. جایی از کتاب مقدس نیست که از خانواده و اهمیت آن صحبت نکرده باشد.

غرض از نوشتن این خلاصه، تاکید بر این قوانین بعنوان سکان کشتی و سنگ بنای خانه و خانواده است. امید من بر این است که این جزوه باعث تفکر عزیزان به کلام خدا شود و این تفکر به عمل در جهت نقشه نیکوی خدا تبدیل شده و به رسیدن به بندر مراد بیانجامد.

---

<sup>۵</sup> (مزمور ۱۰۷ آیات ۲۸-۳۱)

<sup>۶</sup> (انجیل لوقا باب ۶ آیات ۴۷-۴۹)

<sup>۷</sup> (کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۲۴)

<sup>۸</sup> (کتاب پیدایش باب ۱ آیات ۲۶-۲۷)

"این سخن امین است و لایق قبول تام زیرا امید داریم بخدای زنده که  
جمیع مردمان علی الخصوص مومنین را نجات دهنده است."<sup>۹</sup>

با امید به رحمت خدای زندگان.

---

<sup>۹</sup>(کتاب اول تیموتاوس باب ۴ آیات ۹-۱۰)



# ۱- پیدایش خانواده

در مزمور ۱۲۸ خداوند برکتش را برای خانواده ای که او را گرامی میدارد، اینطور بیان می کند. "خوشا بحال هر که از خداوند میترسد و بر طریقه های او سالک می باشد. عمل دستهای خود را خواهی خورد (برکت مالی خواهی داشت). خوشابحال تو و سعادت با تو خواهد بود. زن تو مثل مو بارور به اطراف خانه تو خواهد بود (همیشه با تو می ماند). و پسرانت مثل نهالهای زیتون گرداگرد سفره تو (خانواده ات از هم پاشیده نمیشود). اینک همچنین مبارک خواهد بود کسیکه از خداوند میترسد. پسران پسرانت را خواهی دید (عمر طولانی میکنی)."

خدا خانواده را بعنوان یک واحد جامعه و یا مانند یک سلول از بدن جامعه قرار داد تا از تجمع این سلولها، جامعه ای سالم و قوی ایجاد شود. در ابتداء خدا جهان را آفرید و خدا دید که نیکوست. او همه چیز را نیکو آفرید و با خلقت آدم و حوا، همه چیز بسیار نیکو شد.<sup>۱۰</sup> "خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشانرا نر و ماده آفرید." <sup>۱۱</sup> آدم و حوا در یک بدن بودند. بدنی که خدا برای آنها از گل ساخت.<sup>۱۲</sup> "خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا

---

<sup>۱۰</sup>(کتاب پیدایش باب ۱ آیه ۳۱)

<sup>۱۱</sup>(کتاب پیدایش باب ۱ آیه ۲۷)

<sup>۱۲</sup>(کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۷)

بخفت و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و ویرا بنزد آدم آورد.<sup>۱۳</sup>

در باب اول کتاب پیدایش، آدم و حوا بعنوان یک موجود روحانی معرفی میشوند که بواسطه روح از حیوانات متمایز هستند، و اینکه خدا چطور ماهیت روحانی ایشان را آفرید. در باب دوم، این خلقت را در قالبی جسمانی قرارداد یعنی قالبی ساخته شده از خاک زمین. و در آخر باب چطور جسم حوا را از دنده آدم آفرید و با گرفتن آن دنده، نر و ماده را از هم جدا کرد. آنگاه هر کدام موجودی منحصر بفرد ولی مکمل یکدیگر شدند. خدا حوا را دوست و همکاری برای آدم ساخت. نزدیکترین دوستی که خدا برایش مقرر کرد. یعنی دوستی از گوشت و استخوانش. به این دلیل خدا می فرماید: "مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و آنها یک تن خواهند بود."<sup>۱۴</sup> خدا در این رابطه مرد را رهبر و مسئول قرار داد و شرط یک تن شدن آنها را در تمرکز مرد بر زن خویش گذاشت. از آنجایی که در ابتداء همه چیز بسیار نیکو بود، آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجلت نداشتند.<sup>۱۵</sup> آدم و حوا یک تن محسوب میشدند، بطوریکه وقتی حوا از شیطان فریب خورد، اتفاقی نیفتاد تا آدم هم از آن میوه خورد. آنوقت چشمان هر دو باز شد و فهمیدند که عریانند.<sup>۱۶</sup>

زن و مرد مثل هم فکر نمی کنند و احساسات و عواطف آنها تا حد زیادی متفاوت می باشد. ولی آنها مکمل همدیگر هستند و وقتی یک زن و یک مرد با هم

---

<sup>۱۳</sup>(کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۲۱)

<sup>۱۴</sup>(کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۲۴)

<sup>۱۵</sup>(کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۲۵)

<sup>۱۶</sup>(کتاب پیدایش باب ۳ آیه ۷)

پیوند زناشویی می بندند یکتا محسوب می شوند و همدیگر را کامل می کنند. خدا اراده کرد که این اتحاد و پیوند روحانی و جسمانی را بین یک زن و یک مرد قرار دهد نه بین دو مرد، نه بین دو زن، نه بین یک مرد و بیش از یک زن و نه بین یک زن و بیش از یک مرد. حکیم ترین مرد تاریخ از نسل آدم، یعنی سلیمان میگوید: "هر که زوجه ای یابد چیز نیکو یافته است و رضامندی خدا را تحصیل کرده است."<sup>۱۷</sup> اگر امروزه به اسم تساوی حقوق، مرد با مرد ازدواج می کند و زن با زن، به این دلیل نیست که در عصر آزادی عقیده زندگی میکنیم، بلکه از نظر خدا در عصر شهوات دل بسر می بریم. "زیرا هر چند خدا را شناختند ولی او را چون خدا تمجید و شکر نکردند. از این سبب خدا ایشانرا بهوسهای خباثت تسلیم نمود بنوعیکه زنانشان نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل نمودند و همچنین مردان هم استعمال طبیعی زنانرا ترک کرده از شهوات خود با یکدیگر سوختند."<sup>۱۸</sup>

بله، زن و مرد با هم از جهات بسیاری فرق دارند و خدا هر یک را به منظوری و برای مسئولیتی آفریده است. خدا مرد را بعنوان سر تعیین کرد ولی او را خود مختار نیافرید بلکه مسیح را سر و هادی او قرار داد تا مرد بتواند نقش سر بودن خود را با اطاعت از مسیح بطور صحیح انجام دهد. پولس رسول میگوید: می خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح خدا.<sup>۱۹</sup> همانطور که مسیح مرد را مجبور به کاری نمی کند، مرد هم نباید زن را مجبور کند، بلکه

---

<sup>۱۷</sup>(کتاب امثال سلیمان باب ۱۸ آیه ۲۲)

<sup>۱۸</sup>(کتاب رومیان باب ۱ آیه ۲۱، ۲۶-۲۷)

<sup>۱۹</sup>(کتاب اول قرنتیان باب ۱۱ آیه ۳)

باید مثل مسیح در محبت او را راهنمائی، سرپرستی، و محافظت نماید. خدا مرد را سر خانواده و زن را هماهنگ کننده خانواده آفریده است. مرد محافظت، تأمین، و تعلیم روحانی خانواده را بعهده دارد و زن تسلی، رشد، تغذیه، و هماهنگی در خانواده را عهده دار میباشد. هیچکدام از این وظایف از دیگری مهمتر نیستند بلکه مکمل و لازم و ملزومند. "در اتحاد ما با خداوند، زن از مرد یا مرد از زن بی نیاز نیست، زیرا چنانکه زن از مرد بوجود آمد مرد از زن متولد می شود."<sup>۲۰</sup>

"و خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم."<sup>۲۱</sup> در اینجا کلمه معاون یعنی همکار، و معنی آن زیر دست نیست. در کلام خدا این کلمه یعنی معاون یا کمک کننده، همان کلمه ای است که در مورد روح القدس بکار رفته است. در خلقت خدا، زن نقش بزرگی دارد. او میتواند مثل روح القدس تسلی دهنده و کمک کننده باشد و یا مثل شیطان وسوسه کننده و مرگ آفرین. خدا زن را همکار مرد آفرید. او زن را از کاسه سر آدم نیافرید که برای مرد سر باشد و به او ریاست کند. زن را از استخوان پای آدم هم نیافرید که زیر پای او باشد، بلکه او را از دنده یعنی پهلوی مرد آفرید تا برای او پشتیبان باشد. خوشا بحال مردی که دنده خودش را پیدا کند که جفت او باشد و درست جا بیفتد و به پهلوی او استقامت بخشد. در غیر این صورت با هر حرکتی بنحوی او را بدرد می آورد. و هیچ وقت جا نمیافتد مگر با سائیدگیهای بسیار.

---

<sup>۲۰</sup>(کتاب اول قرنطیان باب ۱۱ آیات ۱۱-۱۲)

<sup>۲۱</sup>(کتاب پیدایش باب ۲ آیه ۱۸)